

Research Article

The Feasibility of the Political Exegesis of the Noble Qur'an¹

Mohammad Abedi¹

1. Assistant Professor, Quranic Research Group, Research institute for Islamic Culture and Thought (IICT), Qom, Iran. Abedi.mehr@yahoo.com

Abstract

The purpose of the present study is to review the feasibility of the political exegesis of the Qur'an. By answering to 5 questions in 3 related fields to the political exegesis, including the audience of the political exegesis, the source under study, and the relationship between the Qur'an and Islamic politics, the present research using a descriptive-analytical method showed that the Qur'an has as much political instructions to make political study possible. The political concepts of the age of revelation can be extended to the present age as well. The objectives of Islamic politics are consistent with the main objectives of the Qur'an and there is compatibility between the method of Islamic politics and the Qur'an comprehension. The validity and authenticity of the political propositions derived from the Qur'an and Islamic politics are appropriate to their essence so the political exegesis of the Qur'an would be feasible. The substantiation of this feasibility paves the way for proving other principles and finally gathering the principles of the scientific philosophy of political interpretation.

Keywords: Qur'an, Political Exegesis, Islamic Politics.

1. **Received:** 2020/01/25; **Accepted:** 2020/11/21

Copyright © the authors

امکان تفسیر سیاسی قرآن کریم^۱

محمد عابدی^۱

۱. استادیار، گروه قرآن پژوهی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران. Abedi.mehr@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی امکان تفسیرپذیری سیاسی قرآن است. این تحقیق با پاسخ به پنج مسئله در سه حوزه مرتبط با تفسیر سیاسی شامل مخاطب تفسیر سیاسی، منبع مورد مطالعه، رابطه دو حوزه قرآن و سیاست اسلامی با روش توصیفی-تحلیلی نشان داد که قرآن در حدی آموزه‌های سیاسی دارد که مطالعات سیاسی ممکن شود. مدل‌های سیاسی معاصران نزول قابل گسترش به عصر حاضر هستند. اهداف دانش سیاست اسلامی با اهداف اصلی قرآن سازگار بوده و روش این علم با روش فهم قرآن جمع‌پذیر است. اعتبار و قابل اعتماد بودن گزاره‌های سیاسی مستفاد از قرآن و سیاست اسلامی متناسب با ماهیت آنها می‌باشد، به این ترتیب تفسیر سیاسی قرآن ممکن خواهد بود. با اثبات امکان، مسیر اثبات مبانی دیگر و نهایتاً تدوین مبانی فلسفه علمی تفسیر سیاسی هموار می‌شود.

واژه‌های کلیدی: قرآن، تفسیر سیاسی، سیاست اسلامی.

۱. مقدمه

تفسیر سیاسی گرایشی خاص از تفسیر است که در آن، مفسر بر بیان معانی آیات قرآن و کشف مقاصد و مدلول‌های سیاسی خداوند از آیات تمرکز دارد و می‌کوشد ظرفیت سیاسی آن دسته از آیات قرآن را که بدون رویکرد سیاسی، ناشناخته مانده، کشف نماید و آیات را با رویکرد سیاسی تا حد ممکن تفسیر کند. تفسیر سیاسی از منظر موضوعی، به سیاست‌گرایی نشان می‌دهد و مفسر آیات را از این زاویه به طور ویژه و برجسته مورد توجه قرار داده و از مراد و مقصود سیاسی آیات پرده برمی‌دارد. در این تفسیر، محقق از منظر مسائل، به پرسش‌های قرآنی مرتبط با حیات سیاسی بشر می‌اندیشد و در پی دستیابی به «آموزه‌های قرآن کریم در مورد حیات سیاسی بشر» است. درباره جایگاه بحث امکان تفسیر لازم به ذکر است که این تفسیر دارای گروهی از مبانی بوده و در مورد جایگاه مبانی امکان تفسیر سیاسی در میان این مبناها باید توجه داشت که مبانی «امکان تفسیر سیاسی» قبل از مبناهایی مثل مشروعیت، جواز، ضرورت، حجیت و... قرار دارد و بعد از اثبات امکان، نوبت به اثبات آن مبناها می‌رسد. منظور از امکان نیز این است که مقتضیات وجود این گرایش تفسیری وجود دارد (بحث اثباتی) و تحقق این گرایش تفسیری ممکن است. بعد از این مرحله است که صحبت از جواز مطرح می‌شود، اینکه بعد از وجود مقتضیات، آیا موانعی برای وجود تفسیر سیاسی، پیش روی وجود این گرایش تفسیری نیست (بحث سلبی)؟. در صورتی که موانعی نباشد، جواز این گرایش تفسیری نیز اثبات خواهد شد. بعد از آن هم از روایی و اعتبار بحث می‌شود.

در این تحقیق موضوع اول یعنی امکان تفسیر سیاسی مورد نظر است. در پاسخ به اینکه «آیا تفسیر سیاسی امکان دارد؟»، [با چشم‌پوشی از استدلال‌های متعدد معناداری گزاره‌های قرآن و امکان فهم آنها به طور عام (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۸۷: ص ۱۸-۱۹ و ۵۵؛ ۱۴۱۷ق: ج ۱، ص ۹؛ ج ۳، ص ۶۴، ۸۶؛ ج ۵، ص ۲۰-۲۱، ۲۵۵) و امکان شناخت قرآن (مطهری، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۲۴-۳۰)]، تحقیق بر اثبات‌پذیری امکان تفسیر سیاسی تاکید دارد. فرضیه تحقیق در برابر دیدگاهی قرار دارد که برون‌داد آن انکار این امکان است، مانند فرضیاتی که عدم ورود جدی قرآن (در اهداف، مقاصد و قلمرو) به حوزه حیات سیاسی را ادعا دارند و شأن قرآن را تنها ساختن بُعد معنوی آدمی می‌دانند (ر.ک: بازرگان، ۱۳۷۷: ص ۶۰، ۸۰).

برونداد «انکار رابطه دین و سیاست و قرآن با سیاست»، پذیرش غیرسیاسی بودن راهبردهای قرآنی (میراحمدی، ۱۳۸۴) و انکار نقش قرآن و شریعت در حفظ منافع و اهداف دنیوی است (عبدالرازق، ۱۹۲۵م: ص ۱۸۸). نتیجه پذیرش نیز نبود کوچک‌ترین اشاره در قرآن به موضوعات سیاسی چون خلافت و حکومت (همان: ص ۸۷) می‌باشد که آموزه‌های سیاسی در حدی نیست که بتوان نسبت به مطالعات سیاسی اسلامی در قرآن امیدوار بود (قاضی‌زاده، ۱۳۸۴: ص ۲۳-۹۱) و امکان تفسیرسیاسی منتفی است. برونداد پذیرش تاریخ‌مندی آموزه‌های اجتماعی و سیاسی قرآن (عرب صالحی، ۱۳۹۳: ج ۴، ص ۱۷۸-۲۲۸ و ۱۸۶-۱۹۹؛ ابوزید، ۱۳۸۰: ص ۶۸، ۷۱-۷۲، ۵۰۵؛ ۱۳۸۳: ص ۱۱۳). نیز عدم امکان تفسیر سیاسی است. در این نگره عبارات قرآن در ابعاد اجتماعی و سیاسی را نمی‌توان به مخاطبان زمان‌های دیگر گسترش داد و قرآن حکم حقوقی فرازمانی و فرامکانی ندارد (عرب صالحی، ۱۳۹۳: ج ۴، ص ۲۰۰-۲۲۸). نیاز به فهم سیاسی مبنا‌محور، نظام‌مند، قاعده‌دار، و معتبر از قرآن و ارائه آن به عنوان ابزار دستیابی به آموزه‌های سیاسی قرآن کریم، برای گستردن بستر تدبیر قرآنی در حیات سیاسی، از ضرورت‌هایی است که طرح مسئله امکان را موجه می‌نماید، و اثبات آن، مقدمه ضروری ورود به تفسیر سیاسی را فراهم می‌آورد.

درباره سازمان بحث و چارچوب آن لازم به ذکر است که تحلیل موضوع پژوهش (امکان تفسیر سیاسی) نشان می‌دهد که در مورد چند شاخصه مهم باید به نتیجه رسید:

۱. **مخاطب تفسیر سیاسی:** این گرایش تفسیری در پی ارائه آموزه‌هایی به مخاطبان عصر حاضر از قرآن کریم در عرصه حیات سیاسی است، بنابراین، باید در مورد «قابلیت تعمیم مدل‌های سیاسی معاصران نزول قرآن به عصر حاضر» تعیین موضع شود.

۲. **منبع مورد مطالعه:** ادعا این است که تفسیر سیاسی قرآن کریم ظرفیت مدیریت حیات سیاسی بشر را دارد، پس باید ثابت شود که قرآن در حدی آموزه‌های سیاسی دارد که بتواند به عنوان منبع برای مطالعات سیاسی قرار بگیرد و مسیر مدیریت حیات سیاسی را روشن سازد.

۳. **رابطه دو حوزه قرآن و سیاست اسلامی:** تفسیر سیاسی تحقیقی میان رشته‌ای است و با دو منبع قرآن و سیاست سروکار دارد، از این منظر لازم است توضیح داده شود که آیا این دو اولاً: در هدف، سازگاری و همراهی دارند؟ تا بتوان موضوع واحدی را از منظر هر دو بررسی کرد؟ لذا، مسئله «توافق اهداف دانش سیاست اسلامی با اهداف اصلی قرآن کریم» مطرح می‌شود. ثانیاً: آیا

روش این دو سازگاری و هماهنگی لازم را دارد تا بتوان به نتیجه مناسبی رسید؟ در این مورد هم مسئله «قابل جمع بودن روش علم سیاست اسلامی با روش فهم قرآن» مطرح می‌گردد. ثالثاً، در مرحله قضاوت درباره برون داده‌های تفسیر سیاسی این پرسش نیازمند پاسخ است که آیا محصول نهایی معتبر و قابل اعتماد است و گزاره‌های استنباط شده اعتبار علمی دارند و می‌توانند قابل اعتماد باشند؟ در این مورد نیز مسئله «تناسب اعتبارسنجی گزاره‌های سیاسی قرآن و علم سیاست با ماهیت آنها» به معنای قابل اعتماد بودن آنها مطرح می‌گردد. به این ترتیب در این پژوهش لازم است به پنج سوال کلیدی برای اثبات امکان تفسیر سیاسی پاسخ داده شود.

۲. تعمیم‌پذیری مدلول‌های سیاسی معاصران نزول قرآن به عصر مفسر

برای اینکه تفسیر سیاسی قرآن ممکن باشد، ابتدا باید بتوانیم مدلول‌های سیاسی قرآن را که مخاطب نخست آن معاصران نزول هستند، به مخاطبان عصر حاضر و عصر مفسر گسترش بدهیم. در این عنوان به مهم‌ترین دلایل و مویدات این قابلیت اشاره می‌شود. قبل از آن لازم است به دیدگاه رقیب، یعنی «تاریخ‌مندی آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن» اشاره شود.

۱-۲. تاریخ‌مندی‌پنداری آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن

مطابق برخی دیدگاه‌ها مدلول‌های قرآن از جمله در بُعد سیاسی به معاصران نزول اختصاص دارد و فرازمانی و فرامکانی نیستند. «نظریه تاریخ‌مندی قرآن» از مهم‌ترین این دیدگاه‌ها است که قرآن را از حیثیت‌های مختلف تاریخ‌مند می‌پندارد (عرب صالحی، ۱۳۹۳: ج ۴، ص ۱۷۸-۲۲۸). از جمله اینکه: آورنده قرآن انسان بوده و فهم انسان، ذاتاً تاریخی و محکوم به اوضاع و احوال تاریخی است (همان: ص ۱۸۶-۱۹۹). مخاطب عام قرآن، انسان‌های تاریخی هستند. قرآن شرایط مخاطبان را لحاظ کرده، محصول فرهنگی و تاریخی است و متن قرآن زمان‌مند و تاریخ‌مند می‌باشد (ابوزید، ۱۳۸۰: ص ۵۰۵، ۶۸). وحی و اسلام، واقعیتی تاریخی هستند (ابوزید، ۱۳۸۳: ص ۱۱۳). قرآن حاصل گفت‌وگو میان دیالکتیکی با واقعیت‌های عینی زمان خود بوده (همان: ص ۱۱۳؛ ابوزید، ۱۳۸۰: ص ۷۱-۷۲) و در واقعیت (نهادهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و...) و فرهنگ شکل گرفته و این مسئله، نخستین گیرنده و مبلغ وحی، و نخستین مخاطبان متن قرآنی را دربرمی‌گیرد.

برونداد تاریخی بودن قرآن، از نظر ابوزید، «خروج اجزای تاریخی قرآن از دایره اعتبار و تبدیل شدن به شاهد تاریخی است که البته بسیاری از مسائل اجتماعی و سیاسی در این گروه جای گرفته‌اند، مانند آیات بردگی و احکام آن، احکام رابطه مسلمانان با غیرمسلمانان و...» (ابوزید، ۱۳۸۳: ص ۲۸۶-۳۰۹). نتیجه اینکه عبارات قرآن در ابعاد اجتماعی و سیاسی تعمیم‌پذیر به مخاطبان زمان دیگر نیست و قرآن حکم حقوقی فرازمانی و فرامکانی ندارد، این احکام شواهد تاریخی هستند (عرب صالحی، ۱۳۹۳: ج ۴، ص ۲۰۰-۲۲۸) و به حکم تاریخ از اعتبار افتاده‌اند (ابوزید، ۲۰۰۸م). خلف‌الله نیز به آیاتی در مورد تصرف در انفال و غنائم یا آیات جزیه از اهل کتاب توجه و به تعطیلی احکام قرآنی در این موارد حکم می‌دهد (خلف‌الله، ۱۹۸۴م: ص ۸۷).

برخی از دلایل تاریخ‌مندی قرآن که به منع گسترش مفاهیم و مضامین اجتماعی و سیاسی معاصران نزول به زمان‌ها و مکان‌های دیگر می‌انجامد، چنین است: تاثیر تغییرات اجتماعی و تحولات تاریخی در سپری شدن دوران احکام اجتماعی و سیاسی قرآن (ابوزید، ۱۳۸۳: ص ۲۸۵؛ عرب صالحی، ۱۳۹۳: ج ۴، ص ۲۷۰-۲۷۴)، تاثیرپذیری قرآن از واقعیات سیاسی عصر نزول (ابوزید، ۱۳۸۳: ص ۳۷-۳۸، ۲۷۶-۲۸۰)، منافات برخی قوانین اسلامی در حیات اجتماعی و سیاسی با عدالت در عصر حاضر (ابوزید، ۱۳۸۳: ص ۲۸۶-۲۸۷؛ عرب صالحی، ۱۳۹۳: ج ۴، ص ۲۸۲).

۲-۲. دلایل تعمیم‌پذیری مفاهیم و مضامین و عبارات سیاسی عصر نزول

در قالب دلایل تعمیم‌پذیری، به ناموجه بودن تعمیم‌ناپذیری می‌توان اشاره کرد، این دلایل عبارتند از:

۲-۲-۱. جاودانگی آموزه‌های اجتماعی و سیاسی قرآن

بر مبنای جاودانگی آموزه‌های اجتماعی و سیاسی قرآن (علیا نسب و امیری، ۱۳۹۳: ص ۱۵۸-۱۳۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۳۸؛ بابایی و همکاران، ۱۳۷۹: ص ۱۴۶؛ طباطبایی، ۱۳۸۷: ص ۱۲۰)، این کتاب نمی‌تواند تاریخ‌مند باشد. آیات جهانی بودن رسالت پیامبر(ص)، با دلالت التزامی، جهانی و جاودانی بودن دعوت قرآن را اثبات می‌کند، مثل جهانی بودن رسالت و انذار پیامبر(ص) (فرقان، ۱)، نوید غلبه آیین پیامبر(ص) بر همه ادیان (فتح، ۲۸)، تعلق رسالت

پیامبر(ص) به همه مردم (نساء، ۷۹) و انذار همگانی پیامبر(ص) (انعام، ۱۹). مطابق آیه ۱۹ سوره انعام، قرآن به پیامبر(ص) وحی شد تا همه کسانی را که پیام قرآن به آنان می‌رسد، انذار کند و تصریح شده که این دعوت شامل هر انسانی است که این پیام به او برسد (مصباح یزدی، ۱۳۷۳: ج ۶، ص ۲۸۲-۲۸۵؛ سعیدی روشن، ۱۳۸۵).

۲-۲-۲. ظرفیت ظاهری و باطنی، و جری و تطبیقی آیات

قرآن و آیات اجتماعی و سیاسی آن، برخوردار از ظاهر و باطن است (طباطبایی، ۱۳۸۷: ص ۲۸) و جری و تطبیق (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۱۶۸) در آن جاری است و ظرفیت بطن و سطوح معنایی قرآن، توان پاسخگویی به نیازهای بشری در دوران مختلف را ایجاد می‌کند. امام صادق(ع) درباره حدیث «ما فی القرآن آیه الا ولها ظهر و بطن»، فرمود: «ظهر همان مورد نزول آیه بوده و بطن تأویل آن، برخی در گذشته اتفاق افتاده و برخی هنوز نیامده است. قرآن مانند آفتاب و ماه در جریان است...» (صفار قمی، ۱۴۰۴: ص ۱۹۶). در این حدیث انطباق آیات بر مواردی که با تحلیل به دست آمده، جری شمرده شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۱۶۹). از امام باقر(ع) روایت شده است: «قرآن اولش بر آخرش جریان می‌یابد تا آسمان‌ها و زمین هست» (مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۸۹، ص ۱۱۵).

آیت‌الله معرفت در بیان تأویل، به نظریه بطن اشاره دارد که همان دریافت پیام‌های درونی آیات است و آن را مفهوم عام هر آیه می‌داند که می‌تواند در همه زمان‌ها در دسترس باشد (معرفت، ۱۴۲۷ق: ص ۱۰؛ ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۱). جریان آیات در گذر زمان بر مصادیق جدید، امکان تحلیل و تطبیق آن بر مصادیق دیگر را فراهم می‌آورد.

علامه نیز «قاعده جری و تطبیق» را در جاودانگی و گسترش مصادیق و مفاهیم جدید قرآن، مهم می‌داند و معتقد است: «قرآن، از نظر انطباق مفاهیمش با مصادیق و نمونه‌های خارجی و تبیین وضعیت (هدایت یا گمراهی) آنان، گستره ویژه‌ای دارد، زیرا آیات آن منحصر به مورد نزولش نیست، بلکه در هر مورد دیگری که ملاک و ویژگی مورد نزول را داشته باشد، جاری می‌شود، آیات مانند ضرب‌المثل‌ها است که در مورد خاصی گفته شده، ولی در هر مورد مشابه دیگری نیز به‌کار می‌رود. این در روایات، جری نامیده شده است» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۳، ۶۷). وی این

قاعده را در مورد «کنز طلا و نقره» در آیه ۳۴ توبه که در کارکردهای اقتصادی حکومت‌ها به آن پرداخته می‌شود، به رغم ارتباط آیه به احبار و رهبان‌ها، برای دیگران نیز جاری می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۹، ص ۲۵۰).

۲-۳. فطری بودن گزاره‌های قرآن و تعمیم‌پذیری آموزه‌های سیاسی آن به عصرهای دیگر

در برخی آیات، دین امری فطری معرفی می‌شود که به تبع آن کتاب تشریح دین نیز فطری خواهد بود (روم، ۳۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱۶، ص ۴۱۸) و سخن از قیّم بودن دین است (روم، ۴۳). وقتی خدا دینش را قیّم معرفی کرد، کتابش هم قیّم خواهد بود و معنایش این است که دین اسلام و کتابش متضمّن مصالح انسانی در دنیا و آخرت و برای همیشه است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۳، ص ۲۳۸). لذا، در آیه ۹ اسراء، به اقوام بودن قرآن نسبت به کتاب‌های آسمانی قبل اشاره می‌کند، زیرا قرآن فراگیر معارف الهی در مسائل اجتماعی و فردی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۳، ص ۴۷). به اعتقاد علامه طباطبایی، قرآن جوابگوی همه مسائل بشری بوده و تغییر و نسخ در آن نیست و تا قیامت استمرار دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۵، ص ۲۱؛ مودب، ۱۳۸۶: ص ۲۸۸).

قرآن برای انسان، فطرت قائل بوده و آموزه‌های تشریحی آن در عرصه‌های فردی، اجتماعی و سیاسی (رجبی، ۱۳۹۳: ص ۱۹۳) تناسب کامل با فطرت‌مندی تکوینی دارد و همین، دلیل عمومیت گزاره‌های سیاسی (بخشی از گزاره‌های قرآن) است.

آیت‌الله جوادی با اشاره به آیات ۳۱ مدثر و ۵۲ قلم توضیح می‌دهد که قرآن کتاب هدایت همه انسان‌ها در همه اعصار است و لازمه نزول برای هدایت همگان و جهان‌شمولی، داشتن زبان جهانی و محتوای مفید و لازم برای همگان می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۳۵). در فهم معارف قرآن یگانه‌زبانی که عامل هماهنگی جهان گسترده بشری است، زبان «فطرت» است که فرهنگ عمومی و مشترک همه انسان‌ها در همه اعصار و امصار بوده و قرآن با همین فرهنگ با انسان‌ها سخن می‌گوید. لذا، فهم آن میسر عموم بشر است. عمومی بودن فهم قرآن و میسر بودن ادراک معارف آن برای همگان، در آیاتی تبیین شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۳۳-۳۷).

مسئله فطرت، در نقد نگاه تاریخ‌مندی و موقعیت‌مندی نیز راهگشا است. بر پایه آیاتی چون

آیه ۳۰ روم و با توضیحی که از علامه طباطبائی ذیل آیه قیم بودن دین داده شد، مخاطب آموزه‌های قرآن، فطرت انسانی بوده و قرآن مطابق فطرت، برای هدایت و کمال می‌باشد و چون فطرت فراتاریخی است، قوانین هدایت و نحوه گفتگویش با آن تغییر نمی‌کند. البته لازم است با تفکیک خصوصیات فردی، اجتماعی و... از ویژگی‌های فطری بشر، به ملاک لازم برای تعمیم مدلول‌ها و عبارات سیاسی و اجتماعی قرآن برای مخاطب امروزی دست یابیم. این ویژگی، ظرفیتی به قرآن می‌دهد که مدلول‌های اجتماعی و سیاسی آن به رغم تحولات فراوان، مخاطب امروز را خطاب قرار دهد و برای او حجت باشد.

۲-۲-۴. وجود مبانی و اصول ثابت و متغیر در قرآن

وجود مبانی ثابت در قرآن موجب می‌شوند قرآن در هر شرایطی امکان هدایت و پاسخ به پرسش‌های بشر در همه عرصه‌ها و قلمروهای هدایتی خود را داشته باشد و طبق مبانی جامعیت، این ثبات در مورد هدایت اجتماعی و سیاسی نیز جاری است. در آموزه‌های فراوانی از قرآن، اصول ثابتی در زمینه سیاست، حکومت و ویژگی‌های حاکم نظام اسلامی، بازتولید می‌شود و مبناهای مهمی چون «حق حاکمیت الهی، اختصاص حق ربوبیت سیاسی به خداوند، نصب ولی امر توسط خداوند...» معرفی می‌گردد که در هر زمان و مکانی یکسان است. در کنار پابندی به این امور ثابت، مقتضیات زمان و مکان هم رعایت می‌شود، اموری که در چارچوب ثابت نمی‌گنجند، مانند شکل حکومت و دیگر ابعاد فرعی و اعتباری که به نظر مردم واگذاشته می‌شود که در آن هم باید در چارچوب آموزه‌های اصلی اعمال نظر شود. از این منظر مقررات مربوط به کلیه امور و فعالیت‌های دنیایی و اجتماعی و سیاسی انسان، یا به طور مشخص در قرآن هستند یا به صورت کلی در متن حاضر بوده و مطابق مقتضیات و شرایط زمان و مکان، تعمیم و تفسیرپذیرند.

۳. گستردگی آموزه‌های سیاسی قرآن، برای مطالعات سیاسی آن

برونداد برخی دیدگاه‌ها عدم ورود جدی قرآن به حوزه حیات سیاسی و انکار آموزه‌های سیاسی در آن است. طبق این نگره، رسالت اصلی انبیاء و هدف قرآن، معنابخشی به زندگی انسانی است و البته انسان خود می‌تواند نظام‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را به شکل صحیح برگزیند و به کار بگیرد، لذا شأن قرآن، ساختن بُعد معنوی آدمی، نه بیان نظام‌های اجتماعی است (بازرگان،

۱۳۷۷: ص ۶۰، ۸۰). با این نگاه (عدم جامعیت دین و قرآن در گستره حیات اجتماعی، سیاسی و عدم تعهد به ارائه آموزه‌هایی خارج از قلمرو اصلی) تفسیر سیاسی امکان تحقق ندارد، زیرا نمی‌توان آموزه‌های جدی و گسترده سیاسی را در آن یافت. علی‌الرازق نیز منکر رابطه دین و سیاست و قرآن با سیاست است، و راهبردهای قرآنی را غیرسیاسی می‌انگارد. او که در پی اسلامی کردن سکولاریسم بود، ارتباط اقدامات اجرایی، نظامی و سیاسی پیامبر(ص) را با رسالتش انکار می‌کرد (میراحمدی، ۱۳۸۴). وی می‌نویسد: «شریعت برای تضمین رستگاری بشر از سوی خداوند وحی شده، نه برای حفظ منافع و اهداف دنیوی. لذا، تأکید کردیم مدیریت امور دنیوی کاملاً هدفی دنیوی است و پیامبر(ص) به خود حق نمی‌دهد برای آن تصمیم‌گیری یا در آن مداخله کند» (عبدالرازق، ۱۹۲۵م: ص ۱۸۸). «قرآن کریم نه ذکری از خلافت و نه کوچک‌ترین اشاره‌ای به موضوع کرده است» (همان: ص ۸۷).

برونداد چنین دیدگاه‌هایی، نبود آموزه‌های سیاسی در حدی است که بتوان دست مطالعات سیاسی اسلامی و قرآنی زد (قاضی‌زاده، ۱۳۸۴: ص ۲۳-۹۱). در حالی که گستردگی آموزه‌های سیاسی قرآن در حد مورد نظر را با چند مسیر می‌توان نمایاند، از جمله:

۳-۱. جامعیت قرآن کریم در عرصه حیات سیاسی

قرآن «جامعیت» دارد و از این منظر با سیاست مرتبط بوده و آموزه‌های سیاسی فراوانی در راستای هدایت سیاسی دارد، در حدی که بشر بتواند شناخت خود از سیاست قرآنی را سامان دهد و البته نبود این حجم از مطالب، نقض غرض در هدایت جامع خواهد بود. آیه ۸۹ سوره نحل جامعیت قرآن را نشان می‌دهد، چون قرآن کتاب هدایت است. منظور از تبیان بودن قرآن برای همه چیز، همه اموری خواهد بود که برای هدایت و تربیت انسان لازم است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱۱، ص ۳۶۱) و قطعاً سیاست به عنوان بُعدی مهم از حیات اجتماعی بشر، مشمول هدف هدایتی قرآن بوده و جامعیت کتاب در عرصه مذکور جاری است.

اصولاً قرآن بر عدم جدایی سعادت آخرتی از زندگی دنیایی، اجتماعی و سیاسی، دلالت دارد و عنایت به مسائل دنیایی در چارچوب آموزه‌های اسلامی را راه دستیابی به سعادت آخرتی می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۴، ص ۹۲-۱۳۳). ذیل آیه ۲۰۰ آل عمران آمده است که مقصود از رابطه،

ایجاد اجتماع و ارتباط میان نیروها و کارهای آنان در همه شئون زندگی دینی است و علامه طباطبایی توضیح می‌دهد دین در همه امور اجتماعی و سیاسی حضور جدی دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۴، ص ۹۲).

در قرآن مجید نسبت به هر آنچه سعادت دنیایی و آخرتی انسان متوقف بر معرفت آن می‌باشد، کوتاهی نشده است. در جای دیگری می‌فرماید: «ونزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۷، ص ۸۱). طبرسی نیز در تفسیر آیه ۳۸ انعام چنین دیدگاهی دارد (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۲۷).

۲-۳. وجود مبانی سیاست در قرآن و امکان ارائه پاسخ‌های قرآن‌محور به مسائل سیاست

از ظرفیت‌هایی که قرآن را برای مطالعات سیاسی اسلامی توانا می‌سازد، وجود زنجیره گسترده‌ای از مبانی سیاست در آن است. «توحید» یکی از این مبانی می‌باشد. «طرح توحید، پایه سیاست اسلامی و آغازگر آن است ... بحث نفاق، مسئله اقلیت و اکثریت، مسئله شورا، نحوه مشورت و اینکه اکثریت چه موضعی دارند، اینها از خود آیات فهمیده می‌شود» (معرفت، ۱۳۸۰: ص ۱۶). نگارنده در کتاب «مبانی سیاست از منظر قرآن کریم»، ضمن تبیین مبانی معرفت‌شناختی، خداشناختی، هستی‌شناختی و انسان‌شناختی در قرآن، برون‌دادهای آن در پاسخ به مسائل متعدد سیاسی را تشریح کرده است. چنین کارکردی، ظرفیت قرآن در تولید آموزه‌های سیاسی اسلامی برای پاسخ به مسائل سیاسی را در اختیار قرار می‌دهد.

۳-۳. لازمه خطابات عمومی قرآن

در قرآن با حجم انبوهی از خطاب‌ها روبرو هستیم که تکالیفی را وضع می‌کنند و فرد خاصی هم مخاطب نیست و تحقق آنها نیازمند حکومت و تدبیر سیاسی است، مانند «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره، ۱۹۰) که حاصل آن گذاشتن وظایفی به عهده جامعه است. «تکالیفی داریم که مخاطب آن جامعه و با لحاظ مصالح جامعه صادر شده و اجرای آن به ناچار متوقف بر وجود عده‌ای است که برای آن کار محض بوده و قدرت متمرکز داشته باشند. بنابراین، جامعه اسلامی باید دولت مقتدری را تشکیل دهد و این مهم را بدان واگذارد» (منتظری، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۵۰۰).

۳-۴. وجود احکام و نهادهای سیاسی متعدد در قرآن

وجود احکام خاص و نهادهای سیاسی در قرآن و نیز خط‌مشی‌های سیاسی در آن (لک‌زایی و احمدی سفیدان، ۱۳۹۲: ص ۹-۲۹) نیز موید وجود آموزه‌های سیاسی در حد تأمین هدایت بشر در قرآن است. در موارد متعددی از احکام خاص مثل حدود، دیات، قصاص و به طور کلی احکام جزایی و قضایی سخن گفته شده و نهادهایی چون نهاد امر به معروف و نهی از منکر و تحریض به آمادگی‌های نظامی در برابر دشمن و جهاد با کفار و منافقان دیده می‌شود و... نگارنده مجموعه این آیات را در کتاب «تکلیف سیاسی از منظر قرآن کریم» گردآورده است (عابدی، ۱۳۹۸: ص ۱۵۲-۳۷۰).

۳-۵. مطالعه موردی و میدانی قرآن، گویای وجود گسترده آموزه‌های مهم سیاسی

آیات بسیاری درباره وظایف و عمل سیاسی پیامبر(ص) مانند دفاع و جهاد، جمع‌آوری خمس، زکات، قضاوت، امر به معروف، نهی از منکر، لزوم اطاعت و عدم مقابله و محاربه با پیامبر(ص) و... وجود دارد و اصولاً «قرآن کریم و سنت پیامبر(ص) آنقدر که در حکومت و سیاست، احکام دارد، در سایر چیزها ندارد» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۲۱، ص ۱۷۸). «آنقدر آیه و روایت که در سیاست وارد شده، در عبادت وارد نشده است» (امام خمینی، ۱۳۷۰: ج ۲، ص ۱۸۰). آیات متعددی درباره ملک، امامت و ولایت پیامبران نیز در قرآن هست، مثل جعل امامت حضرت ابراهیم (بقره، ۱۲۴)، اعطای مُلک به حضرت داود (بقره، ۲۵۱؛ سلیمان، ص ۱۳۵؛ آل ابراهیم، ۱۴؛ نساء، ۵۴). مواردی چون چگونگی کسب، کاربرد، حفظ، تثبیت و افزایش قدرت، تشکیل حکومت، جریان قدرت، روش حکومت و تدبیر جامعه و صدها موضوع مرتبط با سیاست مطرح شده است (عابدی، ۱۳۹۸). همچنین توجه فراوانی به مبارزه انبیاء با حکومت‌های طاغوتی و درگیری‌های موسی(ع) با فرعون، ابراهیم(ع) با نمرود، نصب ولی بعد از رسول اکرم(ص) (مائده، ۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۵، ص ۱۹۳)، اطاعت از رسول یا اولی‌الامر (نساء، ۵۹؛ جوادی آملی، ۱۳۹۳: ج ۱۱، ص ۳۹-۶۲۰)، جنگ (توبه، ۷۳؛ تحریم، ۹؛ طوسی، بی تا: ج ۵، ص ۲۵۹-۲۶۰؛ حج، ۲۲)، ۳۹-۴۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۴، ص ۳۸۴-۳۸۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۲۲، ص ۱۰۶) و همچنین مسائلی همچون عدالت سیاسی (سیدباقری، ۱۳۹۲)، وحدت و همبستگی سیاسی مسلمانان

(پورفرد، ۱۳۹۲) و غیره شده است.

۴. توافق اهداف دانش سیاسی اسلامی با اهداف اصلی قرآن

دومین گام تبیین امکان تفسیر سیاسی این است که نشان دهیم اهداف دانش سیاسی اسلامی با اهداف اصلی قرآن توافق دارد.

۴-۱. اهداف قرآن کریم

در نگاهی کلی اهدافی در سه محور (بینش، گرایش و رفتار) برای قرآن معرفی شده است (رجبی، ۱۳۷۷). در محور بینش‌ها و جهان‌بینی‌ها، قرآن دلایل روشنی برای درستی جهان‌بینی توحیدی در اختیار می‌گذارد، و اعلام می‌کند خداوند یگانه، «اله» است (ابراهیم، ۵۲). در محور گرایش‌ها، توضیح می‌دهد قرآن موعظه‌ای الهی (یونس، ۵۷) و برای انذار و تبشیر (کهف، ۱-۲) و جهت درمان بیماری‌های قلبی (یونس، ۷۵) و هدایت‌پذیری (سجده، ۳) و موجب تقوا (زمر، ۲۸) است. در محور سوم، اموری همچون این موارد معرفی شده است: داوری به حق در مسائل اختلافی (بقره، ۲۱۳)، برپایی جامعه عادلانه (حدید، ۲۵)، حاکمیت قوانین خدا (نساء، ۱۰۵)، حاکمیت دین خدا بر سایر ادیان (فتح، ۲۸)، خروج از ظلمت‌ها به سوی نور (ابراهیم، ۲)، هدایت به راه‌های امن و صراط مستقیم (مائده، ۱۵-۱۶)، ورود به رحمت ویژه و هدایت به ذات الهی (نساء، ۱۷۵-۱۷۴؛ رجبی، ۱۳۷۷).

اهداف مذکور، با در نظر داشتن آیات مربوط به جامعیت قرآن و به اقتضای اطلاق و عموم آیات، عمومیت دارند و قرآن تأمین مصالح مادی و معنوی، فردی و اجتماعی، روحی و جسمی و دنیایی و اخروی بشر را به عهده دارد. برای نمونه هدایت در همه ابعاد حیات، از اهداف آن بوده و مقتضای جامعیت قلمروی قرآن در بُعد هدایتی، شمول آن نسبت به تدبیر حیات اجتماعی و سیاسی بشر است. ضمن اینکه اهداف قرآن در بُعد عمل (تبیین حق از باطل، هدایت‌پذیری، تقوا، داوری به حق در مسائل اختلافی، برپایی جامعه عادلانه، حاکمیت قوانین خدا، حاکمیت دین خدا بر سایر ادیان و...)، قابلیت برخورداری از ماهیت اجتماعی و سیاسی دارند.

در آیاتی دیگر تأمین زندگی سعادت‌مندانه اخروی، گاه به عنوان پاداش رفتارهای سیاسی همچون جهاد و هجرت و... معرفی می‌شود. قرآن به آنان که هجرت کرده و از دیارشان رانده

شوند و در راه خدا آزار ببینند و بکشند یا کشته شوند، به پوشاندن گناهان و دخول در بهشت وعده می‌دهد (آل عمران، ۱۹۵).

در آیه دیگر مقاماتی چون رضایت الهی و بهشت و فوز عظیم در برابر اعمالی چون قبول اسلام و هجرت، و نصرت آئین پیامبر (ص) و... بشارت داده می‌شود که از رفتارهای سیاسی در انقلاب پیامبر اکرم (ص) هستند. یکی از مفسران ذیل آیه ۱۰۰ توبه، ابعاد اجتماعی، سیاسی و انقلابی آیه را به تصویر می‌کشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۸، ص ۹۹-۱۰۲). این اهداف به‌طور کلی در مسائل متعددی از سیاست مورد توجه است (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ص ۴۶).

۲-۴. اهداف کلان دانش سیاسی اسلامی

فارغ از تعاریف موجود سیاست (عالم، ۱۳۸۲: ص ۲۱-۳۱) و اهداف آن (بشیریه، ۱۳۸۷: ص ۱۳)، موضوع سخن ما «سیاست اسلامی» است که اندیشمندان مسلمان غایت تدبیر و هدایت در سیاست را هدایت خلق و اصلاح امور مردم دانسته و از نظر آنان سیاست به معنای هدایت جامعه براساس اصول و ارزش‌های اسلامی و در راستای مصالح جامعه، توسط افراد واجد شرایط (امام خمینی، به نقل از: عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ص ۲۶) و «هدایت» جامعه در جهت مصالح دنیوی و اخروی است (امام خمینی، ۱۳۷۰: ج ۱۳، ص ۳۹۸). همچنین به معنای اداره جامعه اعم از حیات اجتماعی، اقتصادی، جنگ، صلح، روابط فردی و بین‌المللی که دین آنها را تنظیم می‌کند، می‌باشد (بیانات مقام معظم رهبری، به نقل از: مهاجرنیا، ۱۳۹۳: ص ۵۹). «غایت دانش سیاست اسلامی» نیز کسب و آموزش مجموعه منظمی از آگاهی‌های معتبر درباره اصول و قواعد حاکم بر هدایت و مدیریت سیاسی جامعه بر مبنای ارزش‌های اسلامی، برای تنظیم و تدبیر زندگی اجتماعی و تأمین مصالح جامع بشر خواهد بود و این دانش می‌کوشد ضوابط و قوائدی را برای زندگی متناسب با فلسفه سیاسی اسلامی، همچون عدالت، رفاه، امنیت، تربیت، هدایت و رشد بشر در عرصه حیات اجتماعی و سیاسی معرفی کند.

۳-۴. نیازمندی دانش سیاست اسلامی به قرآن برای تأمین اهداف

هدف علم سیاست اسلامی ناظر به کارکردهای اصلی سیاست بوده و این اهداف با توصیف معتبر وضعیت موجود رفتارهای سیاسی و پیشنهاد قواعد و الگوهای اسلامی برای تدبیر حیات در

بسیاری از حوزه‌های زندگی، محقق می‌شود و چون قرآن دارای اهداف سیاسی و خواهان تأمین مصالح حیات بشری با تدبیر درست، از طریق تقوا، برپایی جامعه عدالت‌محور، حاکمیت قوانین الهی در همه عرصه‌های حیات بشری و... است، اهداف دانش سیاست اسلامی و قرآنی نیز شناخت چنین سیاستی خواهد بود. به دیگر بیان:

۱. هدف دانش سیاسی اسلامی، آگاهی‌بخشی به انسان، برای چگونگی تدبیر حیات و تأمین مصالح بشری در حیات سیاسی و اجتماعی بوده و این دانش تلاش دارد مجموعه منظمی از شناخت معتبر درباره اصول و قواعد حاکم بر مدیریت سیاسی جامعه بر مبنای ارزش‌های اسلامی جهت تنظیم زندگی اجتماعی و تأمین مصالح جامع بشر را ارائه و آموزش دهد و ضوابطی برای زندگی معرفی کند.

۲. هدایت و تأمین مصالح بشر در افقی کامل‌تر و جامع‌تر، اصولاً از جمله اهداف کلان قرآن بوده و قرآن تأمین همه‌جانبه مصالح دنیایی و اخروی را به عهده دارد و از این منظر دانش سیاسی اسلامی، نیازمند قرآن است و اهدافش با پذیرش و تحقق اهداف اصلی قرآن، جامه عمل می‌پوشد. البته مسائلی مانند «احقاق حق»، «بسط عدالت»، «آزادی‌های مشروع»، «تعلیم و تربیت»، «ایجاد بستر مناسب رشد فرد و جامعه» نیز از اهداف متوسط نظام سیاسی و حقوقی در قرآن است (نوروزی، ۱۳۸۱: ص ۲۰).

۵. قابل جمع بودن روش علم سیاست اسلامی با روش فهم قرآن

روش‌ها، به مثابه ابزار فهم، برون‌داد مبانی و منابع بوده، و روش هر علم به حسب مبانی و منابع آن تعیین می‌شود. بهترین راه برای پی بردن به سازگاری روشی دانش سیاست اسلامی و فهم قرآن، توجه به مبانی و منابع آنها است. مبنی بر اینکه تا چه حدی دارای مبانی و منابع مشترک هستند و آیا اشتراک موجود در حدی است که موجب سازگاری روشی شود؟

گفتمان اسلامی و قرآنی سیاست (متکی بر مبانی معرفت‌شناختی، خداشناختی، هستی‌شناختی و انسان‌شناختی)، فهم ویژه‌ای از ماهیت، تعریف، مفاهیم سیاست و دانش آن برای اندیشمندان اسلامی (لکزایی، ۱۳۸۹: ص ۳۶) ارائه می‌کند. مثلاً در مبانی معرفت‌شناختی، پذیرش منابع فراتجربی همچون وحی و نیز محدودیت معرفتی بشر مطرح است ... که هر کدام فضای خاصی

برای شناخت ماهیت و تعریف سیاست (مهاجرنیا، ۱۳۹۳: ص ۶۰)، دانش سیاست، منابع دستیابی به این دانش و در نهایت روش‌های آن ترسیم می‌کنند و این دانش در گفتمان قرآنی و اسلامی ابزارها و روش‌های متناسب با مبانی و منابع خود را می‌یابد. بنابراین، در بررسی سازگاری روشی باید بین روش دانش سیاست موجود و روش دانش سیاست اسلامی تمایزهای لازم را لحاظ کرد.

فارغ از ویژگی‌های علم سیاست موجود، دانش سیاست اسلامی روشی متناسب با مبانی و منابع خود دارد و علاوه بر تجربه و عقل، بر نقش نقل و وحی در شناخت مسائل سیاست و تدبیر حیات سیاسی تأکید دارد. در این روش از عقل نظری که کلیات را درک می‌کند، در مبانی نظری استفاده می‌شود که وحی نیز به صورت ارشادی به آن یاری می‌رساند و عقل عملی در جزئیات و هنجارهای سیاسی به کار می‌رود، تجربیات بشری و تاریخی و... نیز جایگاه خود را دارند. همچنین این علم بر استفاده از عقل، قلب، حس و وحی می‌تواند استوار باشد و روش‌های معقول و شهودی، تجربی و منقول را هم به خدمت بگیرد. استفاده از تجربیات برخاسته از استفاده از حس، از منظر دانش سیاست دینی نیز مشروط به تطبیق یا عدم مخالفت (مطابق مبانی که در محل خود شایسته أخذ است) با دلالت‌های عقلی و وحیانی، مورد تأیید خواهد بود. آنچه مهم است ایجاد تعادل و ترجیح بین ابزارهای معرفتی و ملاک قرار دادن نقل و وحی، و حفظ حاکمیت وحی و قرآن و روایت معتبر بر ابزارهای مذکور است تا از تفسیر به رأی و تطبیق قرآن بر دانش سیاسی پیشگیری شود، همان مشکلاتی که تفسیر علمی و التقاطی با آن دست به‌گریبان هستند.

روشی که در علم سیاست اسلامی و قرآنی پیش گرفته می‌شود، از نظر فضای گفتمانی و مبانی و منابع، مشترکات فراوانی دارند و همین، سازگاری عمیقی بین آن دو ایجاد کرده است. روش فهم قرآن نیز براساس استفاده از عقل، قلب، حس و وحی استوار بوده و در فهم قرآن از روش معقول، شهودی، تجربی و منقول استفاده می‌شود. قرآن منابع معرفتی متعددی چون حس، تجربه، اندیشه و عقل (حشر، ۲۱) را متناسب با ظرفیت‌های هریک به رسمیت شناخته است. آیات هم به استفاده از ابزارهایی مانند چشم، گوش و عقل توجه دارند و قرآن ابزارهای مادی و فرامادی را به ما معرفی می‌کند که با این قوای ادراکی (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ص ۲۹۷) می‌توان پدیده‌های سیاسی را شناخت.

۶. تناسب اعتبارسنجی (قابلیت اعتماد و پایایی) گزاره‌های سیاسی قرآن و علم سیاست اسلامی، با ماهیت آن‌ها

با چشم‌پوشی از علم سیاست در فضای اندیشگی حاکم و نگاه پوزیتیویستی و معیارهای علمی بودن گزاره‌ها در این دانش، گفته شد که دانش سیاست در گفتمان اسلامی و قرآنی، دارای مبانی و منابع حسی، عقلی، نقلی و وحیانی است و ماهیت گزاره‌هایش، مقتضی آن خواهد بود که ابزارهای دیگری در کنار ابزارهای تجربه‌پذیر، در اعتبارسنجی و قابل اعتماد بودن برون‌دادها دخالت داده شوند. در چنین وضعیتی ماهیت گزاره‌های سیاسی قرآنی و گزاره‌های سیاسی دانش سیاست هماهنگی خواهند داشت و با ابزارهای یکسان اعتبارسنجی و حصول اعتماد خواهند شد. در یک منظر این رابطه بین همه علوم (در فضای اندیشگی اسلامی) با فهم قرآن، برقرار است و ابزارهای معرفتی که بشر برای فهم قرآن در ابعاد مختلف در اختیار دارد، همان است که دانش‌های بشری در گفتمان اسلامی بدان نیاز دارند و وحدت ابزارهای معرفتی بشر برای فهم قرآن و دانش‌های بشری در جایگاه خود، اثبات‌پذیر می‌باشد.

۷. نتیجه‌گیری

در این تحقیق موضوع مورد پژوهش (امکان تفسیر سیاسی) از سه وجه مورد توجه قرار گرفت:

۱. از منظر مخاطب تفسیر سیاسی اثبات شد که این گرایش تفسیری که در پی ارائه آموزه‌هایی به مخاطبان عصر حاضر از قرآن در عرصه حیات سیاسی است، «قابلیت تعمیم مدلول‌های سیاسی معاصران نزول قرآن به مخاطبان در عصر حاضر» را دارد.
۲. از منظر منبع مورد مطالعه روشن شد که تفسیر سیاسی قرآن، ظرفیت مدیریت حیات سیاسی بشر را دارد و قرآن در حدی برخوردار از آموزه‌های سیاسی است که بتواند به عنوان منبعی برای مطالعات سیاسی قرار بگیرد و مسیر مدیریت حیات سیاسی را روشن کند.
۳. از منظر رابطه دو حوزه قرآن و سیاست اسلامی، چون تفسیر سیاسی با قرآن و سیاست سروکار دارد، تبیین شد که قرآن و تفسیر سیاسی، در هدف سازگاری دارند و می‌توان موضوع واحدی را از منظر هر دو بررسی کرد. همچنین «توافق اهداف دانش سیاست اسلامی با اهداف اصلی قرآن کریم» تبیین شد. روش این دو نیز سازگاری و هماهنگی دارند. در مرحله قضاوت

پیرامون بروندادهای تفسیر سیاسی بیان شد که محصول نهایی، معتبر و قابل اعتماد است و گزاره‌های استنباط شده، اعتبار علمی دارند و می‌توانند قابل اعتماد باشند. تناسب اعتبار گزاره‌های هر گروه به معنای قابل اعتماد بودن آنها است.

در نتیجه با پاسخ به پنج سوال کلیدی، امکان تفسیر سیاسی اثبات شد. در مجموع باید گفت که با اثبات امکان تفسیر سیاسی، مسیر برای اثبات مبانی دیگر از جمله مشروعیت و حجیت تفسیر سیاسی فراهم می‌آید و در نهایت روند تدوین مبانی فلسفه علمی تفسیر سیاسی و در نهایت تدوین تفسیر سیاسی هموارتر می‌شود.

منابع

۱. ابوزید، نصر حامد (۱۳۸۰). معنای متن. ترجمه مرتضی کریمی‌نیا. تهران: طرح نو.
۲. ابوزید، نصر حامد (۱۳۸۳). نقد گفت‌مان دینی. ترجمه حسن یوسفی اشکوری، محمد جواهر الکلام. تهران: یادآوران، چاپ دوم.
۳. ابوزید، نصر حامد (۲۰۰۸م). القرآن نص تاریخی و ثقافی (مصاحبه). گفتگوکننده محمدعلی التاسی.
۴. بابایی، علی‌اکبر و همکاران (۱۳۷۹). روش‌شناسی تفسیر قرآن. تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۵. بازرگان، مهدی (۱۳۷۷). آخرت، خدا، هدف بعثت انبیاء. تهران: انتشارات رسا.
۶. بشیریه، حسین (۱۳۸۷). آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی). تهران: دانشگاه تهران؛ نشر نگاه معاصر، چاپ نهم.
۷. پورفرد، مسعود (۱۳۹۲). وحدت و همبستگی سیاسی از منظر قرآن. سیاست متعالیه، شماره ۲.
۸. جوادی آملی، عبد الله (۱۳۸۸). تفسیر تسنیم. قم: اسراء، چاپ هشتم، ج ۱.
۹. جوادی آملی، عبد الله (۱۳۷۹). معرفت‌شناسی در قرآن. قم: اسراء، چاپ دوم.
۱۰. جوادی آملی، عبد الله (۱۳۹۳). مراحل اخلاق در قرآن. قم: اسراء، ج ۱۱.
۱۱. خلف‌الله، محمداحمد (۱۹۸۴م). مفاهیم القرآنیة. کویت: عالم المعرفة.
۱۲. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۰). صحیفه نور. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ج ۲، ۲۱، ۱۳.
۱۳. رجبی، فاطمه (۱۳۹۳). نظریه فطرت و بازتاب‌های آن در حوزه اخلاق و سیاست. پایان‌نامه دکتری، رشته مدرسی معارف اسلامی. دانشکده معارف، فلسفه و کلام اسلامی.
۱۴. رجبی، محمود (۱۳۷۷). اهداف قرآن. معرفت، شماره ۲۴.
۱۵. سعیدی روشن، محمدباقر (۱۳۸۵). قرآن نزول تاریخی، حضور فراتاریخی. پژوهش‌های فلسفی، شماره ۲۸.
۱۶. سیدباقری، سیدکاظم (۱۳۹۲). راهبردهای عدالت سیاسی از منظر قرآن کریم. سیاست متعالیه، شماره ۲.
۱۷. صفار قمی، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات. تهران: منشورات الاعلمی.
۱۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۷). قرآن در اسلام. به کوشش سیدهادی خسروشاهی. قم: بوستان کتاب، چاپ دوم.
۱۹. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱۴-۷، ۱۳، ۵، ۹، ۳-۴، ۱.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع‌البیان. تهران: ناصرخسرو، ج ۲.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۵.
۲۲. عابدی، محمد (۱۳۹۸). تکلیف سیاسی از منظر قرآن. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۳. عالم، عبدالرحمان (۱۳۸۲). بنیادهای علم سیاست. تهران: نشر نی، چاپ دهم.
۲۴. عبدالرازق، علی (۱۹۲۵م). اسلام و اصول الحکم. مصر: شرکه مساهمه المصریه، چاپ دوم.

۲۵. عرب صالحی، محمد (۱۳۹۳). ابوزید و تاریخ‌نگری. در: مجموعه مقالات جریان‌شناسی و نقد اعتزال نو، چالش با ابوزید. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ج ۴: ص ۱۷۷-۲۲۸.
۲۶. علیانسب، سیدضیاء‌الدین؛ امیری، لیلا (۱۳۹۳). دلایل جاودانگی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی. قرآن در آیین پژوهش، شماره ۲.
۲۷. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۴). مبانی اندیشه سیاسی اسلام. تهران: امیرکبیر.
۲۸. قاضی‌زاده، کاظم (۱۳۸۴). سیاست و حکومت در قرآن. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۹. قدران فراملکی، محمدحسین (۱۳۷۷). جامعه مدنی سکولار یا دینی. کتاب نقد، شماره ۹-۱۰.
۳۰. لکزایی، نجف (۱۳۸۹). چالش سیاست دینی و نظم سلطانی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ سوم.
۳۱. لکزایی، نجف؛ احمدی سفیدان، حسین (۱۳۹۲). قرآن کریم و خط‌مشی‌های سیاسی. سیاست متعالیه، شماره ۱.
۳۲. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲). بحارالانوار. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۸۹.
۳۳. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۳). معارف قرآن. قم: موسسه در راه حق، ج ۶.
۳۴. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸). حقوق و سیاست در قرآن. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). آشنایی با علوم اسلامی (منطق و فلسفه). تهران: صدرا، ج ۱.
۳۶. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۰). سیاست و حکومت در قرآن. علوم سیاسی، شماره ۱۵.
۳۷. معرفت، محمدهادی (۱۳۹۰). التفسیر الاثری الجامع. قم: التمهید، ج ۱.
۳۸. معرفت، محمدهادی (۱۴۲۷ق). التأویل فی مختلف المذاهب و الآراء. تهران: المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیه، ج ۱۶۸، ۲۲، ۱۱، چاپ دهم.
۴۰. منتظری، حسینعلی (۱۴۱۵ق). دراسات فی ولایه الفقیه. قم: نشر تفکر، ج ۱.
۴۱. مودب، سید رضا (۱۳۸۶). مبانی تفسیر قرآن. قم: انتشارات دانشگاه قم.
۴۲. مهاجرنیا، محسن (۱۳۹۳). فلسفه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴۳. میراحمدی، منصور (۱۳۸۴). سکولاریسم اسلامی و مبانی معرفت‌شناختی آن. علوم سیاسی، شماره ۳۲.
۴۴. نوروزی، محمدجواد (۱۳۸۱). درآمدی بر نظام سیاسی اسلام. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

استناد به این مقاله

DOI: 10.22034/sm.2021.120442.1502

عابدی، محمد (۱۳۹۹). امکان تفسیر سیاسی قرآن کریم. سیاست متعالیه، ۸ (۳۱): ص ۷-۲۶.